

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۲۷ فبروری ۲۰۱۸

پیمان های جهانی

۱



مقدمه:

وقتی یک نظر اجمالی به جهان به خصوص کشور های خاور میانه، افریقا، امریکای لاتین و سایر نقاط جهان انداخته می شود و یا به رسانه های جمعی توجه صورت می گیرد، ملاحظه می شود که در تمام این کشورها، جنگ، ناآرامی، قتل و قتال چنان بشدت جلو می رود، که نه تنها کمترین امیدی به پایان آن در چشمس قرار ندارد، بلکه فکر می شود انسانهایی که در این مناطق زندگی می نمایند یا با نام صلح آشنا نیستند و یا اگر آشنا هم هستند، فطرتاً چنان جنگ طلب اند، که نمی خواهند چیزی در آن مورد بنویسند.

در حالی که اگر به قضیه از دید تاریخی نظر بیندازیم، متوجه می شویم که تمام جنگها و کشمکش های امروز در این مناطق که به مانند یک کوره آدسوزی میلیونها انسانها را به کام مرگ می کشاند، همه محصول دوران حاکمیت کشور های استعمارگر و قرار داد های غیر انسانی است، که به جبر و زور بالای این و یا آن منطقه تحمیل نموده اند. به همین اساس و برای این که چهره واقعی کشور های استعمارگر و آنهایی که امروز خود را "دایه های مهربانتر از مادر" معرفی می دارند، بدرستی افشاء و نسل جوان ما بتواند به ریشه بروز چنین وقایع دهشتناکی پی ببرد، تصمیم گرفتم با استفاده از مساعادت های همه جانبه پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" قرار دادهایی را که در جریان قرون ۱۸، ۱۹ و بیست بین کشور های مستعمره و قدرت های استعمار گر و یا کشور های استعمار گر بین خودشان منعقد شده و جغرافیای سیاسی جهان را به شکل کنونی آن ترسیم نموده، به صورت مختصر بنگارم.

امید نسل جوان ما با مطالعه آن، ضمن آن که قادر می گردند از گذشته ها آنطوری که بوده اطلاع حاصل نمایند، این جرأت و توانمندی را بیابند تا حال و آینده را در زندان گذشته محصور نساخته، سرنوشت فرزندان آینده این کشور را به اساس اشتباهات و یا هم خیانت های زمامداران ضد ملی گذشته، ویرانتر از گذشته نسازند.

۱- پیمان سایکس- پیکو: پیمانست بین انگلیس و فرانسه که بعد ها روسها نیز بدان پیوستند. این پیمان به خاطر آن که نماینده فرانسه پیکو و نماینده انگلیس سایکس نام داشت بدین اسم موسوم شده است. پیمان در سال ۱۹۱۶ م در واقع تجزیه امپراتوری عثمانی را به نفع قدرت های غربی تنظیم نموده قسمت های زیادی از اراضی و قلمرو آن امپراتوری را از پیکرش جدا نمود. کشور هائی چون سوریه، لبنان، فلسطین، اردن، عراق با مرز های درهم و برهم و قابل مناقشه از همان زمان به وجود آمده تقریباً قیومیت همه آنها را بین خود- انگلیس و فرانسه- تقسیم نمودند. مسأله زیر پای نمودن حقوق حقه کردها در داشتن یک دولت مستقل و تدارک تشکیل دولتی ستمگر و نژادپرست اسرائیل از جمله نتایج سوء و ضد انسانی همین پیمان است که تا امروز بر همان مبنا در منطقه خاور میانه همه روزه جویهای خون روان است. به عبارت دیگر، خلاف انسان نمائی های فعلی سیاستمداران اروپائی، آنچه اکنون در خاور میانه می گذرد، میراث ضد انسانی و شومی است که از جانب اجداد همین رهبران ریاکار فعلی اروپائی برای خلقهای منطقه به میراث مانده است.

۲- پیمان ورسای: این پیمان بعد از جنگ جهانی اول در قصر ورسای فرانسه در سال ۱۹۱۹ م به مثابه سمبول وحدت و اتحاد بین برندگان جنگ جهانی اول یعنی فرانسه، انگلستان، امریکا و سایر متحدین اروپائی آنها در یک طرف و طرف بازنده جنگ به خصوص دولت المان امضاء شد. این پیمان که از همان آغاز به خصوص انتخاب قصر ورسای در پاریس، به مثابه حرکت انتقام جویانه علیه المان و جواب معاهده ای بود به همین نام که در اواخر قرن ۱۹ دولت فرانسه زیر فشار "بسمارگ" صررا عظم المان و ادار به امضای آن شده، مناطقی مانند "الزاس و لورن" را از دست داده بود، تلقی گردید؛ دارای چنان محتوائی بود که هم دوست و هم دشمن می دانستند که المان تخریب شده و شکست خورده در جنگ جهانی اول قادر به پرداخت غرامات تعیین شده به هیچ وجه نخواهد بود. چنانچه همین طور هم شد، هر چند المان الی سالهای آغاز دهه ۳۰ از طریق قروض دریافتی از جانب ایالات متحده امریکا مقداری از غرامات را پرداخت، مگر به محض قدرت گیری هیتلر- پرداخت قروض و وضع ناهنجار اقتصادی المان یکی از دلایل عروج هیتلر بود- از پرداخت آن ابا و ورزید.

۳- پیمان لوزان: این پیمان هر چند از لحاظ زمانی بعد از پیمان ورسای و به تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۲۳ منعقد و از تاریخ ۲۳ اگست ۱۹۲۳ قابل اجراء دانسته شد، مگر در اساس ادامه روح پیمان سایکس- پیکو به ارتباط تجزیه قلم امپراتوری عثمانی به جانب اروپا بود. این پیمان که از طرف برخی از مؤرخین به حیث پیمان صلح جنگ جهانی اول شناخته می شود، بین جمهوری سوم فرانسه، امپراتوری بریتانیا، امپراتوری جاپان، پادشاهی ایتالیا، پادشاهی یونان، پادشاهی رومانیه و پادشاهی یوگسلاویا به امضاء رسید. این پیمان نیز به مانند سایر پیمان هائی که از طرف دول امپریالیستی انعقاد یافته و یا می یابند، اگر در نکاتی ختم منازعه را اعلام می داشت، در برخی نکات دیگر چه به صورت پوشیده و چه به صورت آشکار نطفه های جنگ و منازعه های بعدی را با خود حمل می نمود، از جمله

اختلافات سرحدی بین ترکیه و رومانیه و اختلافات بین یونان و ترکیه. اختلافاتی که تا هنوز هم و باوجود سپری شدن حدود ۹۴ سال از انعقاد آن، باز هم هر لحظه می تواند به مانند یک زخم باز، خون از آنها جاری بگردد.

۴- --- پیمان بالکان: این پیمان جهت رفع برخی از منازعات بین کشور های رومانیه، یونان، یوگوسلاویا و ترکیه به سال ۱۹۳۴ بیشتر جهت رفع برخی از دشواری های مرزی و سرحدی انعقاد یافت. بلغارستان نیز بعدتر به آن پیوسته، الی آغاز جنگ جهانی دو و آغاز تجاوزات ایتالیا بر کشور های بالکان دوام نمود.

۵- --- پیمان مونیخ ویا مونشن: این پیمان به تاریخ ۲۹ سپتمبر ۱۹۳۸م بین کشور های المان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس انعقاد یافت. در این کنفرانس هیتلر، به نمایندگی از المان دالادیه صدراعظم فرانسه از جانب آن کشور، چمبرلین صدراعظم انگلیس و موسولینی زمامدار فاشیست ایتالیا شرکت داشته، هریک به نمایندگی از کشور متبوعش آن پیمان را امضاء نمودند.



از چپ به راست: چمبرلین، دالادیه، هیتلر، موسولینی و چیانو داماد موسولینی که وزیر خارجه ایتالیا بود

پیمان که در واقعیت امر به منظور سوق دادن نیرو و ماشین جنگی المان نازی و ایتالیای فاشیست به سمت کشور شورا ها بود، به مثابه نخستین رشوت، منطقه المان زبان های "سودت" را از خاک چکوسلواکی بعدی به مفهوم واقعی کلمه از کیسه خلیفه به المان بخشید.

این پیمان یکی از برجسته ترین نمود ها و اسنادیست که چگونه کشور های زورمند، حاضر اند جهت حفظ منافع خود و نابودی دشمنان، دست در دست جنایتکارانی چون موسولینی و هیتلر که از قبل اهداف و نیات شان را راجع به تأمین برتری نژادی خود شان اعلام داشته و در عمل نشان دادند که جهت تحقق اهداف شان حاضر اند به میلیونها انسان را نابود نموده در کوره های آدسوزی به خاکستر مبدل سازند، بگذارند. از دید تاریخی این پیمان یکی از لکه های تنگیست که هیچ گاهی از دامان کشور های فرانسه و انگلیس پاک نخواهد شد. چه آنها با عقد همین پیمان در واقع دست هیتلر در تجاوزاتش به جانب شرق و دست موسولینی را در تجاوزاتش به سرزمین البانی، کشور های بالکان و شمال افریقا باز گذاشتند.

ادامه دارد